خضوع تخوم ثوابت و تکوین در مقابل خداوند

منظور من این بود که وقتی حضرت می‌فرمایند «اذعنت»، کارشان با فرد است. اما نگاه‌شان به فرد با متعلق تخوم است. یعنی چه؟ «خضعت»، چه کسانی خاضع هستند؟ موجودات و افراد طبایع. اما نه افرادی که الآن شما تقریر کردید. بلکه افرادی که «وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»[1]. یعنی شیای که از خزائن تا پایین‌ترین حد کشیده شده است. تخوم به این معنا است. یعنی شما یک فرد را که در تخومش ثابت است؛ یعنی هیچ چیزی از آن را از دست ندهید؛ هر چه دارد از اول و آخر، همه را در نظر بگیرید، نه طبیعت آن. مقصود من طبیعت نیست. فرد آن منظور من است. زید هر چه دارد. با عمرو مخلوطش نکنید. عمرو هم فرد دیگری است که خداوند به آن خیلی چیز داده است. از عرش تا فرش، از ازل تا ابد خداوند به زید خیلی مبادی داده است. آباء و اجدادش هم همه مهد وجود زید هستند. ولی خالصه، زید فرد است. عمرو هم فرد دیگری است. اما طبایع و کلیات برای خودشان دستگاهی دارند.

عرض من این بود: به تناسب حکم و موضوع وجود تکوینی زید، «خضعت». چرا؟؛ چون صبغه‌ی وجودی او است و تناسب حکم و موضوع هم «خضعت» است. اما نه این‌که وجود به‌معنای زید الآن باشد.

---

[1]. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۱.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:22:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:23:07 توسط ... .